

## ارزیابی و سنجش تهدیدات

محمد رضا دوست محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

ارزیابی تهدیدات از مهم ترین مراحل برای تدبیر در مورد آنها می باشد. اغلب عوامل موجود در شناخت و سنجش تهدیدات حالت کیفی داشته و ارزیابی و مقایسه این عوامل از پیچیدگی خاصی برخوردار است؛ بویژه آنکه بخش مهمی از این عوامل به صورت پنهانی عمل می نمایند. مقاله حاضر در ابتدا به مرور ادبیات موضوع پرداخته و نظریه های موجود درباره موضوع را به اختصار بیان می نماید. تلاش نگارنده در این قسمت آشنا نمودن خواننده با مطالبی است که توسط دانشمندان در سالهای مختلف در گذشته درباره موضوع بیان گردیده می باشد. سپس در ادامه مقاله، به عنوان الگویی برای نحوه سنجش تهدیدات، طرح « رفتار در بحران های بین المللی »<sup>۲</sup> تشریح گردیده که این طرح، بحرانهای بین المللی را بررسی و با دادن کمیت های عددی شدت آنها را اندازه گیری و مقایسه نموده است.

در بخش پایانی نیز با بهره گرفتن از منطق فازی جهت تبدیل مقیاس های کیفی به کمی و الگو قرار دادن طرح فوق نحوه اندازه گیری شدت تهدیدات، پیشنهاد گردیده است.

### کلیدواژگان:

عوامل تهدید، سنجش و اندازه گیری شدت، شاخص، بحران.

---

۱- رییس اداره آموزش و پژوهش ستاد کل آجا

<sup>2</sup> The International Crisis Behavior(ICB) Project

## مقدمه

تحولات اجتماعی در بطن جامعه مراحل نهانی‌ای را تجربه نموده و در نهایت به صورت یک **تغییر اجتماعی**<sup>۱</sup> تبدیل می‌شوند. شناخت پدیده‌ها در هر یک از مراحل تکوین مستلزم شناخت کافی از جامعه و مطالعات جامعه‌شناسی تهدید بوده و نیازمند کارشناسان امور مختلف اجتماعی و امنیتی می‌باشد.

تغییر اجتماعی، نمود عینی یک تغییر می‌باشد که از حد ذهنیت‌ها، رویکردها یا رفتارهای محدود فردی فراتر رفته و در سطح جامعه معنی پیدا نموده است. تشخیص پدیده اجتماعی در این مرحله نیز که به صورت یک تغییر اجتماعی نمود عینی یافته، فرصت لازم را برای اعمال مدیریت مناسب فراهم می‌آورد. عدم اعمال مدیریت مناسب بر پدیده در این مرحله، با توجه به عوامل و شاخصهای مختلف، زمینه لازم را برای تبدیل یک پدیده اجتماعی به یک تهدید فراهم می‌آورد. برای وارد شدن در بحث ارزیابی تهدید و شاخص‌های سنجش تهدیدات، ذکر برخی مفاهیم و تفاوت دو دیدگاه اصلی (دیدگاه سلبی و دیدگاه ایجابی) در ملاحظه تهدیدات ضروری می‌باشد.

## مفهوم تهدید

واژه "**تهدید**" به پدیده‌ای اطلاق می‌گردد که توانایی برهم زدن تعادل سیستم سیاسی یا اجتماعی کشور را دارا بوده و ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد. تهدید در نگرش سلبی مبتنی بر زور<sup>۲</sup> بوده دارای جنبه سخت‌افزاری و مصادیقی عینی می‌باشد، حال آنکه در نگرش ایجابی، تهدیدات بر مبنای تصورات و برداشتها بوده و دارای هویت و معنا بوده و جنبه نرم‌افزاری دارد. تهدید اساساً پیش از آنکه موضوع شناخت باشد، موضوع تعریف و باز تعریف است، به بیان دیگر می‌توان از پدیده‌ای واحد که "تهدید" پنداشته می‌شود، تعاریف و برداشت‌های مختلف و گاه متضادی را به تصویر کشید. آنچه که در نظر یک نخبه‌ی سیاسی تهدید تعریف می‌شود، لزوماً در نظر دیگر نخبگان درک همگون و مشابهی نمی‌یابد.

<sup>1</sup> Social change

<sup>2</sup> Force

در حالیکه واژه تهدید در متون سیاسی و امنیتی به معنای توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی تعریف شده و در دیدگاه اطلاعاتی از آن به نیرو یا فعالیتی که مخاصم علیه منافع یک ملت بکار می‌گیرد، تعبیر گردیده، از نقطه نظر نظامی یک تهدید همواره در پیکره نیروی نظامی کشور دیگر تصویر می‌شود. تهدید همچنین یک مفهوم امنیت ارتباطات است که به معنی قابلیت و استعداد تکنیکی و یا عملیاتی یک حریف متخاصم است که به سوی حصارهای حفاظتی - اطلاعاتی کشور دیگر نشانه رفته است<sup>۱</sup>. مشکل اصلی فراروی رهبران و مدیران جامعه در هنگام بروز بحرانها، چگونگی سنجش فوریت و اولویت آن و به تعبیر بوزان<sup>۲</sup> **جدی بودن**<sup>۳</sup> تهدیدات است.

مسئله‌ای که در انجام هر تحقیقی در خصوص واژه "تهدید" می‌باید به آن توجه نمود، ارتباط همیشگی این واژه با واژه "امنیت" و "امنیت ملی" می‌باشد. واژه‌هایی که به علت فقر مطالعات در مورد آنها مفاهیمی مبهم و ناشناخته باقی مانده و بویژه فقر منابع فارسی در مورد این واژه‌ها تا اواخر دهه گذشته محسوس بوده و امروزه نیز علیرغم توجه صورت گرفته به این حوزه، اغلب منابع موجود متونی می‌باشند که به انعکاس دیدگاه‌های تحلیل‌گران غربی اختصاص یافته و غیر بومی می‌باشند و لذا واژه "امنیت ملی" در جامعه ما به صورت عام مفهومی معادل "**نبود تهدید**" داشته‌است.

در این بخش ابتدا به مرور مطالعات نظری انجام یافته در خصوص شناخت تهدید و امنیت پرداخته و به شاخصهای تعیین شده برای سنجش شدت تهدیدات اشاره شده، سپس به طرح "**رفتار در بحران‌های بین‌المللی**" (**آی سی بی**) که بحثی گسترده درباره بحران‌های بین‌المللی و بحران سیاست خارجی در طول قرن بیستم می‌باشد، پرداخته می‌شود و در انتها، با توجه به **منطق فازی**<sup>۴</sup> پیشنهادی جهت مطالعه روشی برای سنجش تهدیدات ارائه می‌گردد.

<sup>۱</sup> تاجیک، محمدرضا، مدیریت بحران، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹، صفحه ۹۳.

<sup>۲</sup> Barry Buzan

<sup>۳</sup> Seriousness

<sup>۴</sup> Fuzzy logic

عوامل بسیاری در سنجش، طبقه‌بندی و تشخیص اولویت و فوریت‌ها در مورد تهدید نقش بازی می‌کنند که از مهم‌ترین این عوامل می‌توان موارد زیر را نام برد<sup>۱</sup>:

نوع تهدید	)	عامل تهدید	)	زمان تهدید	)
هدف مورد تهاجم تهدید	)	توان و قدرت تهدید	)	مکان تهدید	)
ابزار تهدید	)	عمق، گستره و دامنه تهدید	)	شدت تهدید	)

مدل ساده مفهومی زیر ضمن دادن اولویت نسبی به اهمیت دو عامل (نسبت تهدید به منافع ملی و میزان کنترل تهدید توسط هدف مورد تهاجم)، به شاخص‌های اصلی تهدید اشاره می‌نماید که در بخش پایانی این بحث و در تلاش برای کمی نمودن شدت تهدید، از آن استفاده خواهد شد.



<sup>۱</sup> تاجیک، محمدرضا، مدیریت بحران، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹، صفحه ۹۵.

بوزان، عامل تهدید (میزان عواقب احتمالی آن و اینکه آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث آن تهدید شده یا خیر) را یکی از عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید می‌داند. به عقیده بوزان تنها پس از اینکه فرد به درک معقولی از ماهیت تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها دست یافت می‌تواند امنیت ملی را به عنوان یک مسأله سیاسی بشناسد. فقدان امنیت و بروز ناامنی، بازتاب ترکیبی از تهدیدها و آسیب‌پذیری‌هاست که جدا ساختن معنا دار آنها از یکدیگر ناممکن می‌باشد. تفکیک تهدیدها از آسیب‌پذیری‌ها گویای تقسیم بندی مهمی در سیاست امنیتی است به این معنی که دولت‌ها می‌توانند ناامنی یا آسیب‌پذیری خود را کاهش داده و یا از تهدیدها کاسته و از وقوع آن جلوگیری نمایند.

با توجه به تفاوت‌های فراوان میان کشورها در زمینه‌های مختلف، شناخت تهدیدات امری مشکل بوده و برداشت کشورها از تهدید بسیار متفاوت و بعضاً اغراق‌آمیز می‌باشد. معیارها و شاخصهای نسبتاً شناخته شده تهدیدات پس از جنگ سرد تفاوت اساسی نموده و با مطرح شدن نبرد ناهمگون<sup>۱</sup>، کشورهای بزرگ و قدرتمند، صورت‌های جدید از تهدید را مورد لحاظ قرار می‌دهند. ایالات متحده آمریکا اکنون در محاسبات خود از تهدید، عواملی چون اعتقادات مذهبی را از عوامل موجد تهدید در نظر گرفته و در تصویر سازی از تهدید فرضی، به خوبی از آن استفاده می‌نماید.

مسئله مطرح دیگر در حوزه ارزیابی تهدیدات، رویکرد و نوع نگاهی است که به پدیده‌های اجتماعی می‌شود که در این خصوص دو مکتب اصلی **"امنیتی کردن پدیده‌ها"**<sup>۲</sup> و **"تعمیر امنیتی کردن آنها"**<sup>۳</sup> مطرح می‌باشند، پیروان امنیتی کردن پدیده‌ها، معتقدند که پدیده‌ها موضوع مطالعات امنیتی هستند و برای برخورد با مسائل امنیتی باید سطح برخورد خود را به لایه‌های زیرین جامعه انتقال داد و پدیده‌های اجتماعی از آنجا که ظرفیت تولید تهدید امنیتی را دارا می‌باشند، می‌باید موضوع برنامه‌های امنیتی قرار گیرند.

<sup>1</sup> Asymmetric Warfare

<sup>2</sup> Securitization

<sup>3</sup> De Securitization

از طرف دیگر پیروان غیرامنیتی کردن پدیده‌ها (پیروان مکتب کپنهاک) پدیده‌های اجتماعی را ذاتاً دارای ماهیت غیرامنیتی می‌دانند.

پدیده‌های اجتماعی متأثر از ۴ اصل، قابلیت تبدیل شدن به فرصت یا تهدید را دارا می‌باشند<sup>۱</sup>: هر پدیده اجتماعی متأثر از میزان توانمندی بازیگر، شرایط محیطی، بخت و شانس (قضا و قدر)، قابلیت تبدیل به تهدید یا فرصت را دارا می‌باشند و در مرحله تکوین مصادیق تهدیدات صرفاً یا فرصتهای صرف، بسیار محدود است و اصل بر حالاتی است که متأثر از ۳ عامل قبلی، قابلیت تبدیل شدند به فرصت یا تهدید را دارا می‌باشند. به اعتقاد باری بوزان، یک تهدید با توجه به ۳ عامل نوع تهدید، چگونگی نگرش به تهدید و میزان جدی بودن تهدید ممکن است به موضوع امنیت ملی تبدیل شود.

در مورد میزان جدی بودن تهدید عوامل مختلفی می‌تواند دخالت داشته باشد که عبارتند از:

- ۱) مشخص بودن هویت تهدید
- ۲) نزدیک بودن زمان تهدید
- ۳) نزدیکی منبع تهدید از لحاظ فاصله
- ۴) شدت احتمال وقوع تهدید
- ۵) میزان عواقب و پیامدهای احتمالی تهدید
- ۶) آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدید می‌شود یا خیر

مشخص کردن هویت تهدیدی که کانون آن روشن نمی‌باشد و اتخاذ تدابیر لازم برای دفع اینگونه تهدیدات کاملاً ضروری می‌باشد. جغرافیای شکل‌گیری تهدید نیز رابطه نزدیکی با توانایی انجام عملیات مؤثر نظامی دارد که البته میزان این ارتباط با توجه به گسترش سلاح‌های دوربرد و نیز سیاستهای تروریسم دولتی کاهش یافته است. با این وجود فاصله تهدید از مسائل حیاتی برای دولت‌های ضعیف نظامی و سیاسی می‌باشد اگر چه در این خصوص قدرتهای بزرگ که به امنیت خود از دیدگاه جهانی می‌نگرند، تعریف خاص خود را از دامنه یا فاصله تهدیدات دارا می‌باشند.

<sup>۱</sup> دکتر افتخاری، اصغر، کلاس درس دوره مدیریت استراتژیک، دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۳.

زمان موجود برای تصمیم گیری در موقع بروز بحران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و لذا قریب‌الوقوع تهدید از لحاظ زمانی در ارزیابی تهدید عامل مهمی می‌باشد. بعد تاریخی تهدیدات، ارزیابی تهدید را پیچیده‌تر نموده و موجب شدت تهدید می‌گردد. باری بوزان در تلاش برای تبیین شدت تهدیدات جدول زیر را طراحی نموده است که با توجه به استفاده از مقیاس‌های کیفی برای بیان شدت و ضعف عوامل تهدید، مستلزم تعریف عملیاتی دقیق عوامل می‌باشد:

ضعیف	شدید	شدت تهدید پارامترهای شدت
پخش و پراکنده	خاص	هویت تهدید
دور از لحاظ فاصله	نزدیک از لحاظ فاصله	قریب‌الوقوع بودن از نظر فاصله
دور از نظر زمانی	نزدیک از لحاظ زمان	قریب‌الوقوع بودن از نظر زمان
احتمال کم	احتمال زیاد	شدت احتمال
عواقب ضعیف	عواقب شدید	عواقب احتمالی
بی‌طرفی تاریخی	تشدید شده از لحاظ تاریخی	بعد تاریخی تهدید

با توجه به اینکه "امنیت" و "ناامنی" پدیده‌هایی ذهنی هستند از متغیرهای مؤثر دیگری که در احساس تهدید مؤثر می‌باشند نام برده می‌شوند مانند: ذهنیات، موقعیت جغرافیایی، میزان آسیب‌پذیری داخلی کشورها، نظام اعتقادی و ارزش‌های حاکم بر کشور و ساختار نظام سیاسی کشور.

مسئله قابل توجه در فرآیند درک تهدیدات این است که هر یک از مؤلفه‌های ذکر شده قبلی مانند ذهنیات و ... در بدو امر برای هر فردی ممکن است روشن نباشد ولی هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند به اهمیت و اولویت تهدیدات کمک نموده و محققین جامعه را به پی‌بردن به بروز علل تهدیدات تشویق نماید.

### ملاحظات اساسی در ارزیابی تهدیدات:

ارزیابی یک تهدید از مهم‌ترین مراحل تدبیر برای آن می‌باشد. اغلب عوامل موجود در جریان شناخت تهدیدات حالت کیفی دارند و لذا ارزیابی و مقایسه این پارامترها از پیچیدگی

خاصی برخوردار است به ویژه آنکه بخش مهمی از این پارامترها به صورت پنهانی عمل می نمایند و آنچه که به عنوان ملاحظات اساسی در ارزیابی تهدید مورد نظر می باشند، عبارتند از سه مؤلفه مهم ماهیت تهدید، شدت تهدید و دامنه تهدید.

### الف\_ ماهیت تهدید:

به صورت سنتی جنگ به عنوان مصداق اصلی تهدید امنیتی بوده ولی این رویکرد اگر چه پیشینه تاریخی طولانی ای دارد، امروزه در خصوص آن شباهت بسیاری مطرح شده که جنگ را به مثابه "تهدید" رویکردی جامع نمی داند، گروهی از واقع گرایان- به طور مشخص گیلپین<sup>۱</sup> و هواداران او بر این باورند که "عدم مساوات اقتصادی" ریشه کلیه تهدیدات است. به زعم ایشان، تحولات عمده ای که در نظام اقتصاد جهانی رخ داده زمینه بروز عمده ترین ناامنی ها را فراهم آورده است.

باری بوزان در یک تلاش نظری ارزشمند سعی در تقسیم بندی تهدیدات در پنج گروه کلی کرده است: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی<sup>۲</sup>، ریچارد اولمان همین رویکرد را توسعه داده و گونه های تهدید را به شرح زیر تعریف نموده است:

« یک تهدید بر ضد امنیت ملی عبارت است از عمل یا پیامد ناشی از رخدادی که:

۱. شرایط مساوی برای ساکنان یک کشور را به صورت جدی و طی یک دوره نسبتاً کوتاه به چالش فرا خوانده؛
۲. گزینه های دولت، حکومت و یا بازیگران غیر حکومتی را شدیداً محدود کرده و آنها را در تنگنا قرار می دهد<sup>۳</sup>.

گروه دیگر، اندیشه گرانی را شامل می شود که هم چون آدلر<sup>۴</sup> بر این باورند که به رغم تمامی تحولات رخ داده، بعد نظامی همچنان موضوع "ناامنی" عصر حاضر است، آنها به تهدیدات جدی ای چون سلاح های هسته ای و هزینه های اقتصادی و زیست محیطی آن اشاره داشته و

<sup>1</sup> Giplin

<sup>2</sup> Buzan, People, State, and Fear, op.cit, P.19.

<sup>3</sup> Richard H.Hullman, "Redefining Security", "International Security, Summer 1983, p.133.

<sup>4</sup> Adler



مدعی اند که مهم ترین عامل موجد ناامنی، وجود چنین سلاحهایی است. با وجود اینکه این ادعا صحیح به نظر می رسد ولی نمی توان انکار کرد که طیف وسیعی از تهدیدات از جنس نظامی نیستند.

کارولین توماس<sup>۱</sup> با توجه به وضعیت کشورهای جهان سوم، این رویکرد را مورد نقد قرار داده از تهدیدات ویژه ای چون ملت سازی، جستجو برای دستیابی به یک سیستم ایمن جهت تأمین غذای شهروندان، معضل سلامتی، معضلات تجاری و مالی، در کنار تهدید ناشی از سلاحهای هسته ای سخن می گوید که از اهمیتی حداقل هم سنگ سلاحهای هسته ای برای این کشورها برخوردارند. برانت<sup>۲</sup> نیز در گزارشی همین رویکرد را مورد توجه قرار داده و در فهرستی که از تهدیدات مربوط به کشورهای جهان سوم ارایه می دهد مواردی همچون فقر، ازدیاد جمعیت، بهداشت و ... را قبل از سلاحهای هسته ای ذکر نموده است.

### ب- شدت تهدیدات:

(۱) نکته قابل توجه در ارزیابی شدت تهدید توجه به سطح روابط دو یا چند واحد سیاسی می باشد و تفاوت های آشکاری در شدت تهدید در سطوح مختلف روابط وجود دارد. طبیعتاً شدت تهدید بین دو واحد سیاسی که سطح روابط آنها در سطح اختلاف، تعارض یا تضاد قرار دارد به ترتیب قوی تر خواهد بود.

(۲) هدف مورد آماج تهاجم تهدید نیز به مشخص شدن تهدید کمک می نماید. تهدیدی که با هدف از بین بردن منافع حیاتی و اولیه کشور دیگری طرحریزی گردیده و به منظور از بین بردن حاکمیت و استقلال واحد سیاسی دیگری به مورد اجراء گذاشته می شود از بالاترین شدت برخوردار می باشند.

(۳) تهدیداتی که از سرعت زمانی بیشتری برخوردارند بطور طبیعی حساستر بوده و ضریب بالاتری را در تعیین شدت تهدید به خود اختصاص می دهند.

(۴) شاخص دیگر تعیین شدت تهدید، شاخص نزدیکی فاصله مکانی تهدید می باشد که به دلایل واضح تهدیدات نزدیکتر از اهمیت و شدت بیشتری برخوردار می باشند.

<sup>1</sup> Caroline Thomas, In Search of Security: The Third World in International Relation.

<sup>2</sup> Brandt

۵) احتمال وقوع تهدیدات نیز مسئله دیگری است که می‌باید در ارزیابی تهدیدات مد نظر قرار گیرد و تهدیداتی قابل ملاحظه می‌باشند که احتمال از قوه به فعل درآمدن آنها نیز وجود داشته باشد. احتمال وقوع تهدیدات می‌تواند در یک دسته‌بندی مناسب، اولویت تهدیدات را از نظر شدت آن روشن نماید.

۶) عامل تهدید جایگاه خاصی در تعیین شدت تهدید دارا می‌باشد، هنگامیکه واحد سیاسی از جانب اعضای یک پیمان نظامی مورد تهدید واقع می‌گردد، با توجه به تعداد بازیگران و قدرت اعضای پیمان شدت تهدید بالاتر ارزیابی می‌گردد.

۷) تهدیدات نظامی در بررسی ماهیت تهدید از اولویت بالاتری برخوردار می‌باشند، چرا که تهدیدات نظامی در صورت به فعل درآمدن، قادر به وارد آوردن خسارات جبران‌ناپذیری به ساختارهای مهم نظام سیاسی طرف مقابل می‌باشند.

۸) دامنه تهدید هر چقدر که محدودتر باشد، بطور طبیعی از شدت پایین تری برخوردار خواهد بود اگر چه عدم گستردگی دامنه تهدید در صورت بروز آن در مناطق حساس نیز ضریب قابل توجهی در تعیین شدت تهدید به خود اختصاص می‌دهد.

۹) پیامدهای احتمالی تهدید با توجه به جمیع جهات در ارزیابی تهدید بسیار تعیین کننده می‌باشند.

پارامترها	شدت تهدید	شدید	ضعیف
سطح منافع ملی به خطر افتاد	حیاتی و اولیه	ثانویه	
قریب‌الوقوع بودن	نزدیک از لحاظ فاصله نزدیک از لحاظ زمانی	دور از لحاظ فاصله دور از لحاظ زمانی	
شدت احتمال	احتمال زیاد	احتمال کم	
عواقب احتمالی	عواقب شدید	عواقب ضعیف	
بعد تاریخی تهدید	تشدید شده از لحاظ تاریخی	بی‌طرفی تاریخی	
شرایط حاضر	بالفعل	بالقوه	
طیف روابط	تضاد- تعارض	اختلاف	
عامل تهدید	دارای توان و قدرت بالا (قوی)	دارای توان و قدرت همپراز یا پایین‌تر (قدرت ضعیف)	

### ج- دامنه تهدید:

در ارزیابی دامنه تهدید توجه به گستردگی جغرافیایی تهدید، سطح اقشاری از جمعیت که مورد تهدید قرار می‌گیرند و اینکه آیا تهدید فقط یک مؤلفه خاص (مثلاً مؤلفه سیاسی) را تحت تهاجم و تأثیر قرار داده یا بر سایر مؤلفه‌ها نیز تأثیر گذار خواهد بود در ارزیابی دامنه تهدید مدنظر قرار می‌گیرد.

«در این بخش از مقاله به بیان کلی طرح تحقیق آی سی بی در خصوص ارزیابی بحرانهای بین‌المللی پرداخته و شاخصهای شدت و اهمیت بحران را که در انجام این ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار گرفته به همراه نمونه بررسی و اندازه‌گیری شدت بحران خاورمیانه ۷۴-۱۹۷۳ شرح داده می‌شود، ارائه این بخش از این لحاظ که الگویی را جهت تبدیل مقادیر کیفی به "مقادیر کلی قابل اندازه‌گیری" می‌باشد دارای اهمیت می‌باشد.»

از سال ۱۹۷۵ به بعد، طرحی تحت عنوان "رفتار در بحران‌های بین‌المللی" (آی سی بی) به تحقیق گسترده‌ای درباره بحران‌های بین‌المللی و بحران سیاست خارجی در طول قرن بیستم پرداخته است. یکی از مسیرهای طی شده در این تحقیق عبارتست از یک مطالعه جامع درباره بحران‌های بین‌المللی و بحرانهای سیاست خارجی بیش از صد کشور در نظام جهانی که در بین سالهای ۱۹۲۹ تا پایان سال ۱۹۸۵ (۳۲۳ بحران بین‌المللی) اتفاق افتاده و برای انجام بررسی‌های لازم از یک سری متغیرها اطلاعات لازم جمع‌آوری گردیده است. این متغیرها که هفت دسته می‌باشند هر یک جنبه‌ای از بحران را توضیح می‌دهند و عبارتند از:

- ۱) زمان آغاز و پایان بحران
- ۲) فنون مدیریت بحران
- ۳) فعالیتهای قدرتهای بزرگ و ابرقدرت‌ها در بحران
- ۴) مداخله سازمانهای بین‌المللی در بحران
- ۵) پیامدهای بحران و شدت بحران

«در این نوشتار، از میان متغیرهای فوق‌الذکر، متغیر شدت بحران مورد ملاحظه قرار گرفته است.»  
 بحرانها از نظر شدت و تأثیر به عنوان دو بعد اساسی پدیده مذکور متنوع می‌باشند. منظور از شدت چیست؟ آیا این امر قابل اندازه‌گیری است و آیا می‌توان بحرانها را با توجه به میزان شدت

آنها طبقه بندی نمود؟ چه عناصری در این ارزیابی دخیل هستند؟ تأثیر نسبی آنها در اندازه گیری شدت بحران چیست؟ و در صورت امکان چگونه می توان شدت یک بحران خاص را به وضوح و به طور دقیق بیان کرد.

### شاخصها و نشانه های شدت بحران:

یکی از شاخصها، تعداد بازیگران است؛ یعنی دولت یا دولتهایی که تصمیم گیرندگان آنها یک عمل، اتفاق یا تغییر در داخل و یا خارج از کشور را به عنوان عامل تهدید ارزشهای اساسی، محدودیت زمان پاسخگویی و به احتمال زیاد مداخله در درگیریهای نظامی قبل از رفع تهدید قلمداد می کنند. این مفروض نیز جزو شاخصهاست که در صورت برابری عوامل دیگر، وجود تعداد زیاد بازیگران دولتی در یک بحران نشانگر احتمال تعامل خصمانه زیادی می باشد، میزان مداخله قدرتهای بزرگ نیز شاخص دیگر شدت است. آیا فعالیتی صورت گرفته است؟ در این صورت، آیا فعالیت فوق در اصل حمایت لفظی، سیاسی، اقتصادی یا نظامی از یک طرف درگیر بوده است؟ یا یک تعداد بیشتری از قدرتهای بزرگ را به مداخله نظامی تشویق کرده اند؟ عامل سوم نشاندهنده شدت بحران، اهمیت ژئواستراتژیک<sup>۱</sup> می باشد. آیا محل و نوع یک بحران و منابع بازیگران نسبت به یک یا چند و حتی همه اعضای نظام بین الملل برتری دارد؟ البته جزء دیگر در نشان دادن شدت بحران میزان عدم تجانس طرفهای درگیر می باشد.

آیا قابلیت نظامی آنها متفاوت است و آیا همه آنها قدرتهای بزرگ و کوچک هستند؟ اقتصاد این کشورها فراصنعتی است یا متعلق به دوره قبل از مدرنیسم می باشد، به عبارت دیگر آیا این کشورها از سطح توسعه متفاوتی برخوردارند؟ آیا رژیمهای سیاسی آنها متفاوت از همدیگر است یا مشابه همدیگر؟ همین طور آیا نظامهای فرهنگی و عقیدتی آنها همگون است یا متفاوت؟ علاوه بر این باید دید که موضوع بحران چیست، یعنی آیا مسائل مورد نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی یا تلفیقی از آنهاست؟ بالاخره آیا در طول بحران، خشونتی بین دولتها اتفاق افتاده است، در این صورت سطح آن تا چه حد بوده است؟ این شش عامل شاخصهای میزان یک بحران بین المللی می باشند. برای درک بهتر تنوع بازیگران شش شاخص تعیین شده است که بر اساس آن بحرانهای

<sup>1</sup> Geostrategic Salience

دارای شش بازیگر یا بیشتر رتبه بیشتری به خود اختصاص می دهند و بحرانهای شامل یک بازیگر از کمترین رتبه برخوردارند.

در خصوص میزان فعالیت خصمانه قدرتهای بزرگ و مداخله قدرتهای بزرگ، سه پیش فرض در جهت وضع شاخص شدت بحران در نظر گرفته شده است: نخست، مواجهه مستقیم قدرتهای بزرگ. دومین مورد، میزان بیش از حد مداخله و کمکهای نظامی و فعالیتهای مخفی این قدرتهاست که در مقایسه با حمایتهای سیاسی یا اقتصادی حکومتها یا عدم دخالت در بعضی کشورها باعث بروز تغییرات شدیدتری می شود. سوم، مداخله زیاد چند قدرت بزرگ (باهم) اثری بیش از تلفیق فعالیتهای مداخله جویانه در ایجاد از هم گسیختگی دارد. اهمیت ژئواستراتژیک به اهمیت یک بحران بین المللی به دلیل دوری یا نزدیکی به قدرتهای بزرگ و منابع طبیعی آن بحران بازمی گردد. این اهمیت در طول زمان کم و زیاد می شود. بر اساس فرضیات یک مقیاس پنجگانه را در مورد اهمیت ژئواستراتژیک می توان عرضه کرد، برای نظام جهانی (۵) برای نظام مسلط دارای بیش از یک زیرنظام (۴) برای نظام مسلط بر یک زیر نظام (۴) برای نظام مسلط بر یک زیر نظام (۳)، برای بیش از یک زیر سیستم (۱). میزان عدم تجانس<sup>۱</sup> در یک بحران با توجه به تفاوتهای طرفین درگیر در زمینه های توان نظامی، توسعه اقتصادی، رژیم سیاسی و فرهنگی اندازه گیری می شود. بدین منظور بازیگران بحران با توجه به معیارهای چهارگانه فوق در زمان بحران طبقه بندی می شوند. برای توان نظامی این چهارگروه در نظر گرفته می شود: ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت متوسط و قدرت کوچک. عدم تجانس در صورتی به وجود می آید که توان نظامی طرفین درگیر در یک بحران به بیش از یک رده قدرت نظامی تعلق داشته باشد. از دیدگاه توسعه اقتصادی بازیگران به گروه های زیر تقسیم می شوند: فرا صنعتی، توسعه یافته و در حال توسعه. در مورد این شاخص عدم تجانس زمانی پدید می آید که طرفین درگیر در بحران از چند سطح توسعه اقتصادی برخوردار باشند. نوع رژیم سیاسی نیز نشانگر عدم تجانس است. در این زمینه دولتها به گروه های دموکراتیک، اقتدارگرای غیرنظامی، نظامی و حکومت دوگانه تقسیم می شوند. عنصر چهارم عدم تجانس فرهنگ است که به نظام عقیدتی، جهان بینی، زمان و ... باز می گردد. معیارهای این

<sup>1</sup> Heterogeneity

شاخص میزان قدرت بحران به صورت صعودی از تجانس کامل (معیار اول) تا عدم تجانس کامل (معیار پنجم) رده بندی می گردد.

مسائل و موضوعات نیز در محاسبه شدت بحران مدنظر قرار می گیرند. انواع گوناگون این اختلافات در چهار رده بندی موضوعی جای می گیرند: موضوعات نظامی - امنیتی شامل اختلافات سرزمینی و مرزی، درگیریهای نظامی، جنگ؛ ۲- موضوعات سیاسی - دیپلماتیک شامل تمام اختلافات ناشی از تجاوز به حاکمیت یک کشور؛ ۳- توسعه‌ای - اقتصادی شامل اختلافات ناشی از ملی کردن داراییها، اختلافات مربوط به مواد خام، تحریم اقتصادی، وامهای خارجی و سرانجام - موضوعات فرهنگی شامل اختلافات مربوط به ایدئولوژی، نمادها، زبان و غیره. در تدوین معیارهای فوق باید توجه نمود که:

۱- یک بحران بین‌المللی در مسائل نظامی - امنیتی نسبت به بحرانهای مسائل دیگر از شدت بیشتری برخوردار است.

۲- بحران چند موضوعی بیش از بحران تک موضوعی در روابط بین طرفین درگیر و نظام بین‌المللی که بحران در آن اتفاق افتاده است (و یا هر دو)، تغییر ایجاد خواهد کرد. این فرضیات یک مقیاس پنجگانه به دنبال دارند: بحرانهای دارای سه موضوع یا بیشتر (۵) بحرانهای دو موضوعی که یکی از آنها مسائل نظامی امنیتی است (۴)؛ بحران نظامی - امنیتی (۳)؛ بحران دو موضوعی که مسائل نظامی امنیتی را شامل نمی شود (۲)؛ بحران تک موضوعی که نظامی امنیتی نیست (۱).

میزان خشونت در یک بحران بین‌المللی، شاخص شدت بحران است. در این خصوص یک معیار چهارگانه از جنگ تمام عیار (۴) گرفته تا درگیریهای شدید بدون منجر شدن به جنگ (۳) درگیریهای اندک که تلفات ناچیزی دارند (۲) و عدم خشونت (۱) در نظر گرفته می شود.

باید توجه داشت که اهمیت هر یک از شاخصها به نوبه خود از ارتباط علی آن با دیگر شاخصها برگرفته شده است و با توجه به دلیل وجود شش شاخص شدت که هر کدام می تواند به طور رسمی ارتباط علی با دیگران داشت باشد به لحاظ نظری حداکثر سی ارتباط مستقیم بالقوه وجود دارد:

### نمودار شاخصهای شدت بحران: شبکه تأثیرات

نتیجه استنباط استقرایی از ارتباط بین شاخصهای شدت بحران به ترتیب اهمیت به شرح ذیل است:

- ۱- بازیگران با تأثیر بر چهار مورد
  - ۲- مداخله با تأثیر بر چهار مورد
  - ۳- اهمیت ژئواستراتژیک با تأثیر بر دو مورد
  - ۴- عدم تجانس با تأثیر بر دو مورد
  - ۵- موضوعات و مسائل با تأثیر بر دو مورد
  - ۶- خشونت با تأثیر بر یک مورد
- با توجه به توضیحات، شدت چند بحران بین‌المللی برابر جدول زیر اندازه‌گیری گردیده است<sup>۱</sup>:

<sup>۱</sup> برچر، مایکل، بحران در سیاست جهان، جلد دوم، ترجمه حیدرعلی بلوچی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، صفحه ۵۰.

بحران بین‌المللی	تعداد بازیگران	مداخله قدرتهای بزرگ	اهمیت ژئواستراتژیک	عدم تجانس	مسائل و موضوعات	خشونت	جمع کل شدت
محاصره برلین	۴	۶	۵	۴	۵	۱	۸/۲۵
بهار پراگ	۶	۳	۳	۲	۵	۲	۶/۷۷
مونبخ	۴	۶	۵	۳	۵	۱	۷/۹۸
استالینگراد	۲	۴	۵	۳	۴	۴	۵/۹۷
اکتبر یوم کیپور	۵	۶	۵	۵	۴	۴	۹/۱۸
اولین جنگ داخلی لبنان	۱	۱	۱	۴	۱	۳	۲/۰۸
اختلاف مرزی چین و هند	۲	۲	۲	۳	۳	۴	۳/۸۲
شورش مجارستان	۲	۳	۳	۳	۴	۳	۴/۷۶
اعلان یکجانبه استقلال رودزیا	۱	۱	۱	۴	۴	۱	۴/۲۶
فالتکند / مالویناس	۲	۱	۲	۵	۴	۴	۴/۰۹

با الگو قرار دادن طی آی سی بی برای اندازه‌گیری شدت بحرانهای بین‌المللی می‌توان به طریق منطق فازی شدت تهدیدات گوناگون را اندازه‌گیری نمود:

منطق فازی بسط مقیاس دو و چند مقداری سنتی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۶۵ آقای لطفی عسگرزاد آن را ارائه نمود. در منطق فازی (دقت افزا) با ایجاد چارچوبی معین، داده‌های مبهم و حتی ناقص پردازش و تبدیل به داده‌های مشخص و قطعی با ساختار می‌شوند. منطق فازی برای تحلیل معانی زبانی طبیعی و تبدیل اصطلاحات بیانی به اعداد حقیقی و تعیین مرکز ثقل، قدرت انعطاف‌پذیری بالایی دارد لذا این منطق می‌تواند در استنباط از داده‌های نادقیق و ناکافی مؤثری در تحلیل داده‌ها به محقق و تصمیم‌گیرنده نماید. در صورتیکه داده‌های فازی بصورت واژگان زبانی باشند باید ابتدا آنها را به اعداد فازی تبدیل نموده سپس باید برای تمام اعداد فازی اعداد مشخص و قطعی تعریف کرد که در واقع این اعداد دیفازی شده‌اند و ابهام زدایی صورت گرفته است. در مقیاس دو یا چند مقداری درجه تعلق پدیده‌ها به یک مجموعه و تعلق حداقل یک عضو به مجموعه مطرح است اما در مقیاس بندی دیفازی درجه باید تابع عضویت پدیده‌ها در دامنه اعداد «صفر تا یک» به یک مجموعه برحسب میزان امکان‌پذیری مطرح شده و ضمن توجه به کمیتهای عمومی، کمیتهای گفتاری متنوعی هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. عوامل مؤثر در سنجش و طبقه‌بندی و تعیین اولویت و فوریت تهدیدات را که در ابتدای بحث بیان شده



بود برابر نمونه تعریف عملیاتی نموده و برای مصداق‌های هر شاخص با توجه به نگرش خود (ایجابی یا سلبی) زیرمجموعه هر یک از عوامل را تعیین و ضریب مناسب به آن می‌دهیم. باید توجه داشت که ضریب‌ها در این مرحله می‌باید با توجه به جدولی که با بررسی کامل و توسط افراد آشنا به مسائل و بحران‌های داخلی و بین‌المللی تهیه گردیده از حالت مقادیر کیفی (برای مثال تهدید شدید یا پیامد فراوان یا واژه «سریع» در زمینه قریب الوقوع بودن زمانی تهدید) به مقادیر کلی (برابر جدولی که از قبل تهیه گردیده) تبدیل گردد. برای استفاده از منطق فازی اعداد و مقادیر جدول موصوف از صفر تا یک در نظر گرفته می‌شود:

تهدید	فرصت
	۰
بسیار بالا	۱
	۲
بالا	۳
	۴
متوسط	۵
	۶
کم (پایین)	۷
	۸
بسیار کم	۹
	۱۰

توزیع داده‌های کیفی در مقیاس فاصله‌ای

### توضیح:

یکی از راه‌های متداول و سنتی کمی کردن متغیرهای کیفی، استفاده از مقیاس صفر تا ده است، لذا می‌توان مقیاس ده گانه‌ای را در نظر گرفته و آنرا به روش خاص تحت قاعده معین در آورد. با در نظر گرفتن هر فاصله‌ای، نقطه شروع آن را می‌توان عدد صفر و حد وسط آنرا تا نقطه میانی در نظر گرفت.

نقطه میانی این مقیاس می‌تواند بین مقادیر مطلوب (یا بهتر از حد متوسط) و مقادیر نامطلوب (یا کمتر از حد متوسط) متغیرهای کیفی باشد (در نمودار فوق یک شیوه این نوع مقیاس بندی ارائه شده است). روش کار این مقیاس بندی در واقع یک سری عملیات جمع و ضرب است. در این نوع کلی کردن داده‌ها، فرض می‌شود مقدار عددی (۹) سه برابر وضعیت مقدار عددی (۳) است. ضمناً تفاوت بین اعداد بالا (۷-۳=۴) و پایین به همان اندازه فاصله بین اعداد بسیار کم و متوسط (۵-۱=۴) چهار مقیاس عددی) است. علاوه بر این ترکیب مقادیر متغیرها نشانگر تفاوت بین دو مقدار معین (مثلاً بالا و پایین) است که برای هر متغیر کیفی یکسان است. مطابق این جدول زمانی که فرصت بسیار بالا است، تهدید بسیار کم است و زمانی که تهدید بسیار بالا باشد، فرصت بسیار کم ارزیابی می‌شود.

البته این نوع مقیاس بندی متغیرهای کیفی کاملاً اختیاری بوده و در هر حال، کلی کردن متغیرهای کیفی (فازی) در محیط تصمیم گیری چند متغیره، نیاز به دقت بالایی دارد. بحران خاورمیانه ۷۴-۱۹۷۳ (اکتبر یوم کیپور) در محاسبه به روش آی سی بی به لحاظ شدت بحران از مهمترین موارد محسوب می‌گردد. جدول محاسبه این بحران به شرح زیر می‌باشد:

شاخصهای شدت	شاخص	اهمیت	رتبه
S1	بازیگران	۴	۵
S2	مداخله	۴	۶
S3	جغرافیایی - راهبردی	۲	۵
S4	عدم تجانس	۲	۵
S5	مسائل	۲	۴
S6	خسونت	۱	۴

**توضیح:** ضریب استفاده شده برای درجات ده گانه به این ترتیب استخراج گردیده که کرانه‌های بالا و پایین (حداقل و حداکثر) برای شاخص سختی ۱۵ و ۸۲ هستند به منظور تبدیل این علائم بر مبنای درجه‌بندی ده گانه باید آنرا در ۰/۱۳۴ ضرب کنیم و عدد یک را از هر ارزش کم کنیم. باید توجه داشت که در اختصاص ضرایب و تعیین شدت تهدیدات عوامل مختلف تهدید و میزان تأثیر عوامل بر یکدیگر و همچنین سایر متغیرهای مؤثر دیگر مانند ذهنیات، بعد تاریخی، موقعیت جغرافیایی، موازنه قوا، آسیب‌پذیری کشورها (در ابعاد داخلی و بین‌المللی)، نظام اعتقادی و روش‌ها حاکم بر کشور و ساختار نظام سیاسی نیز می‌باید مد نظر قرار گیرد.

### منابع و مأخذ:

۱. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، **مدیریت بحران**، فرهنگ گفتمان، تهران، صفحه ۹۳.
۲. افتخاری، اصغر، کلاس درس دوره مدیریت استراتژیک، دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۳.
۳. برچر، مایکل، (۱۳۸۲)، **بحران در سیاست جهان ظهور و سقوط بحرانها**، جلد اول و دوم، ترجمه حیدرعلی بلوچی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صفحه ۵۰.
۴. برچر، مایکل، (۱۳۸۲)، **بحران، تعارض و بی‌ثباتی**، ترجمه علی صبحدل، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

5. Richard H.Hullman, "Redefining Security", "International Security, Summer 1983, p.133.

6.Buzan, People,State, and Fear, op.cit,P.19.

7.Caroline Thomas, In Search of Security: The Third World in International Relation.